

سیری در مسأله الشیعة

نوشتۀ: سید محمدرضا حسین جلالی*

ترجمه و تتمیم: جویا جهانبخش**

چکیده

مسأله الشیعة که التواریخ الشرعیة نیز خوانده شده است، یکی از رسائل عالم بزرگ شیعه، شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ه.ق)، و در موضوع خود از دیرینه‌ترین یادگارهای میراثی امامیه به‌شمار می‌رود.

مسأله الشیعة، نوعی تقویم دینی-تاریخی است برای متدینان. شیخ مفید در این رساله مناسبت‌ها و یادبودها و روزهایی را که از حیث تاریخ دین یا اعمال عبادی اهمیت دارند (مانند موالید و وفیات و عید غدیر و عید فطر و ...) می‌شناساند و احیاناً دربارهٔ رخدادهای تاریخی این روزها یا بایسته‌های رفتاری آن به توضیح و روشنگری می‌پردازد.

این گفتار، سیری در مسأله الشیعة‌ی شیخ مفید را موضوع خود قرار داده و علی‌الخصوص به‌جوانبی از خصایص و امتیازات آن به‌نحو تحلیلی و تفصیلی پرداخته است.***

کلیدواژه: مسأله الشیعة، التواریخ الشرعیة، تقویم دینی - تاریخی، شیخ مفید.

*. متخصص در پژوهش‌های رجال‌ی و حدیثی و استاد عربی زبان علوم اسلامی (ساکن حوزه علمیه قم).

** پژوهنده در متون کلامی و حدیثی (حوزه علمیه اصفهان).

*** متن اصلی مقاله، فصلی است از کتاب نظرات فی تراث الشیخ المفید و هر آنچه درون قلابهای شکسته آمده از ترجمان است.

هر تمدن و اُمتی، روزها و مناسبت‌هایی معین دارد که در تاریخ آن اُمت و تمدن حائز جایگاهی ویژه است و از همین روی در میان اهل آن تمدن می‌یابد، و خواه شاد و فرح‌انگیز باشد و خواه اندوهبار، آن مردمان، عزیز و گرامی‌اش می‌دارند و مراسمی به یاد آن برگزار می‌کنند.

تمدن اسلامی، بر یادبودها و مناسبت‌هایی چند اشمال دارد که قرآن کریم به‌عنوان «أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ»^۱ (/ روزهایی شناخته) یا «أَيَّامَ اللَّهِ»^۲ (/روزهای خدا) آنها را به بزرگی یاد کرده است و گاه -مانند روز بدر و روز حُئین و روز احزاب و... از آنها نام نیز برده است.

تعیین این روزها و تبیین تاریخ رخدادها و حوادث‌شان، یکی از اموری است که همگان در قبال آن مسؤول‌اند: نخبگان اسلامی باید به ثبت و ضبط آن بکوشند و همه اُمت باید یاد آن را جاودانه سازند و گرامی و محترم دارند، تا در جانها و یادها بیاید و به نسل‌های دیگر انتقال یابد.

شارع بزرگوار نیز، از برای مناسبت‌های گوناگون، وظایف ویژه‌ای به تناسب سرشت هر یک از مناسبت‌ها، مقرر گردانیده است.

از اینجاست که مؤمنان می‌باید تاریخ این مناسبت‌ها و ایام و اعمالشان را بدانند، زیرا «شناخت این باب» آن‌سان که شیخ مفید در پیشگفتار این کتاب می‌گوید: «از پیرایه‌های نهاد ایمان است و مغفول نهادنش از برای خداوندگاران فضل و ایمان زشت شمرده می‌شود».

بلکه عنایت و اهتمام در این راستا، از دیرباز، از مؤمنان و کسانی که به امور دینی اهتمام می‌ورزند معهود و ملحوظ بوده است؛ چنان‌که شیخ مفید نیز گفته:

شایستگان این طایفه -که خدایش نگاه دارد- در درازنای روزگاران، این تاریخ‌ها را پاس می‌داشته‌اند تا در آنها، با رعایت تفاوتی که میان اوقات شادمانی و زمانهای اندوه هست، مراسم عبادی بر پای دارند و از طریق طاعتها و گزاردن آنچه عمل بدان در روزهای یاد شده لازم است به خداوند تقرب جویند و آیینهای دینی را اجرا نمایند.

> شیخ بزرگوار، مفید (۳۳۶-۴۱۳ ه. ق)، این رساله ارجمند معروف به نام «مسار الشیعه را از برای ثبت و گزارش و اعلام و تعلیم همین مناسبت‌ها و یادبودها و تاریخ‌هایی که دانستن آنها را برای شیعیان در بایست می‌دانسته است، به قلم آورده.

او در مقدمه مسأله الشیعه خاطر نشان می‌سازد که یکی از استادان وی در علوم نقلی در همین موضوع رساله‌ای پرداخته بوده است که به سبب اختصار بیش از حد، نیاز مخاطب را بر نمی‌آورده است. از همین روی، شیخ، خود دست به کار شده و این کتاب را پرداخته است.^۳

این کتاب آن‌سان که از عناوین ابوابش پیداست و پیشگفتارش نیز نشان می‌دهد، تنها در بردارنده یادکرد مناسبت‌های خوش و شادی‌آفرین نیست، بلکه مناسبت‌های اندوهیار را نیز در بر دارد.

از همین روی این‌که در نامگذاری کتاب مسأله الشیعه آمده است و بس، نه درست است و نه درونمایه کتاب را می‌رساند و نه با هدف نویسنده سازگار می‌افتد.

از پیشگفتار کتاب چنین بر می‌آید که نام آن از این قرار باشد: «مختصر فی تاریخ ایام مسأله الشیعه و أعمالها من القرب فی الشریعة، و ما خالف فی معناه» (یعنی: مختصری در تاریخ ایام شادمانی شیعه و اعمال تقرّب‌آفرینش در شریعت، و آنچه در معنا مخالف آن باشد). این عنوان، تاریخ‌های ایام شادمانی و ایام اندوه و اعمال و عبادات تقرّب‌آفرین هر یک را در بر می‌گیرد.

کسانی هم که این کتاب را التواریخ الشرعیة نامیده‌اند و بس،^۴ باز از یادکرد اعمال که بخشی کلان از درونمایه کتاب را تشکیل می‌دهد، غفلت کرده‌اند.

> شیخ مفید در همین موضوع مسأله الشیعه، تألیف دیگری داشته است موسوم به حدائق الریاض و زهرة المرتاض که البته گویا بزرگتر از مسأله الشیعه بوده است. اگر چه حدائق الریاض به دست ما نرسیده است، دستنوشتی از آن که در زمان حیات مؤلف کتابت شده بوده است در اختیار ابن طائوس بوده و او بارها در اقبال از آن بهره برده. از آنچه ابن طائوس از حدائق الریاض نقل کرده است بر می‌آید که دست کم بخشی از این اثر از حیث درونمایه، مانندگی بسیار به مسأله الشیعه داشته است.^۵

از سرنوشت حدائق الریاض، پس از روزگار ابن طائوس، آگاهی روشنی نداریم؛ لیک خوشبختانه مسأله الشیعه در قالب چند دست‌نوشته بازمانده و چند بار هم به چاپ رسیده و در معرض دید و داوری جای داشته است و دارد. <

شیوه شیخ در تألیف این کتاب، آن است که: اولاً: در یادکرد مناسبت‌ها و شرح وقایع، با تکیه بر دیگر مؤلفاتش که ویژه این مقصود پرداخته - مانند کتاب المزار و الإرشاد و المقنعة که بدانها احاله می‌کند - بنا را بر

گزیده‌گویی و کوتاه سخنی می‌نهد. تنها در برخی مناسبتها آختی به تفصیل سخن رانده است، مانند روز غدیر که شعر حستان را در آن مناسبت یاد کرده؛^۶ و نیز مناسبت بیتوته امام علی - علیه السلام - بر بستر پیامبر - صلی الله علیه و آله - در شب هجرت که آن حضرت بدین عمل، خود را بلاگردان رسول خدا ساخت و شیخ آن را با حدیث غار همراه گردانیده است.

ثانیاً: کتاب را بر ترتیب ماه‌های عربی سامان داده و با «ماه رَمَضان» آغاز کرده و آن را از چند روی نخستین ماه قلمداد نموده است:

۱. به سبب تقدّمش در آیت مُحکّم قرآنی.
 ۲. از آن روی که نزد خاندان پیامبر - صلی الله علیه و آله - نخستین ماه دین اسلام است.
 ۳. از آن روی که این ماه برهان جدایی میان ماه‌های حرام است و ماه رجب از آنهاست.
- این وجه سوم به سبب خَللی که در دست‌نوشته‌های موجود هست، برای ما روشن نشد و باید بازکاوی گردد.

گویا تنها شیخ مفید چنین ترتیبی را از برای ماههای سال عربی آورده است و جای آن هست که متخصصان پژوهش در کم و کیف تاریخ اسلام، به تحقیق در آن بپردازند. ثالثاً: شیخ پس از آن که مناسبتهای مختلف را در ماهها یاد می‌کند، تحت عنوان هر مناسبت، اعمال واجب و مستحبی را که در آن مناسبت وارد شده است، بنابر روایات و اخبار رسیده از اهل بیت - علیهم السلام -، مذکور می‌دارد.

البته طبیعی است که برخی عبادات تفصیلی و تفصیل برخی عبادات، در رساله کوچکی چون مَسارّ الشَّیعة نگنجد.

نمونه را، شیخ در شمار مستحبات نیمه ماه رجب، خواندن نیایش امّ داود را برمی‌شمرد و می‌نویسد: «این نیایش در نگارشهای هم‌کیشان ما به نحو مبسوطی که در اینجا - به سبب اختصاری که پیش گرفته‌ایم - در نمی‌گنجد، آمده است».^۷

از نکات جالب مَسارّ الشَّیعة دستورالعملی است که شیخ در مورد ختم قرآن کریم در ماه رَمَضان ارائه می‌کند. بنابراین دستورالعمل در هر شب ماه رمضان یک جزء از قرآن و هر جزء سه بار تلاوت می‌گردد.^۸ بدین ترتیب هر یک از مؤمنان در ماه رَمَضان سه بار قرآن کریم را ختم می‌کند.

وَأَمَّا تَأْمَلَاتِي وَبِئْرَةَ أَيْنِ كِتَاب:

۱. این متن از کتابهای اندک‌شماری است که شیخ خود نوشته، برخلاف بیشترین آثارش که به املائی اوست. پس می‌توان بر نسخهٔ مُحَقَّقِ آن تکیه کرد، و عباراتش را بر این بنیاد که از خود شیخ مُفیداند، مورد اعتنا قرار داد.

۲. تاریخ تألیف کتاب، آن‌سان که در پایان آن آمده است، سال «۳۸۹» است؛ و این تصریح به سال تألیف نیز بُدْرَت در دیگر آثار و کارهای علمی شیخ دست‌یاب می‌گردد.

در اینجا انجامه‌ای را که آن بزرگ از برای مَسَارِ الشَّيْعَةِ نوشته است می‌آوریم که هم بر تاریخ فراغ از تألیف دلالت دارد و هم نمونه‌ای از انجامه‌نویسی شیخ مفید را به دست می‌دهد:

وَاتَّفَقَ الْفَرَاغُ مِنْ تَسْوِيدِ هَذِهِ الْأَوْرَاقِ بِعَوْنِ اللَّهِ وَحَسَنِ تَوْفِيقِهِ سَادِسَ عَشَرَ رِبْعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ تِسْعٍ وَثَمَانِينَ وَثَلَاثِينَ عَلَيَّ يَدِ الْعَبْدِ الْفَقِيرِ إِلَى اللَّهِ الْغَنِيِّ، مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ - أَصْلَحَ اللَّهُ حَالَهُ. ^۹

۳. این کتاب در عین آن‌که منبع تاریخی مهم و معتبری به‌شمار می‌رود، به‌عنوان یکی از نمونه‌های ممتاز جاودان میراث شیخ مفید، پژوهندگان را در تبیین فلسفهٔ تاریخ از دیدگاه اسلامی سود می‌رساند.

> باری، مَسَارِ الشَّيْعَةِ شیخ مفید، در درازنای زمان، مورد استناد و استفادهٔ گروه پُرشماری از عالمان و فقیهان امامیه بوده است. ^{۱۰} البتّه این بدان معنا نیست که جمیع تواریخ و مُختاراتِ شیخ مُفید در این کتاب موردِ تَبَعِيَّتِ پَسِينِيَانِ واقع شده باشد.

از نکات توجّه برانگیز - و چه بسا تعجّب‌انگیز - مَسَارِ الشَّيْعَةِ آن است که ولادت امیرمؤمنان علی - علیه‌السلام - را در روز بیست و دوم ماه رجب یادآوری می‌شود. ^{۱۱} مصحّح محترم مَسَارِ الشَّيْعَةِ، آقای شیخ مهدی نجف، در هاشم ضمن توجّه دادن به این‌که «در بیشترین نسخه‌ها، متن چنین است»، خاطر نشان می‌کند که سیره‌گزاران هم‌داستان‌اند که آن حضرت در روز سیزدهم زاده شده است. ^{۱۲}

پسینانی که از مَسَارِ الشَّيْعَةِ استفاده کرده‌اند بیشتر آن را به مثابتِ یک مصدر حدیثی یا تقویم تاریخی (به تعبیر درست‌تر: تقویم ویژهٔ تاریخ دین و عبادات آن) نگریسته‌اند؛ لیک حقیقتِ این رسالهٔ کم‌حجم پرفائده، بس فراتر از اینها، و درونمایه‌اش گرانبهارتر و جانش فریه‌تر از آن است که در همین حدّ و اندازه نگریسته شود.

مَسَارَ الشَّيْعَةِ، یک تقویم تاریخی-عبادی است و در این تردیدی نیست. ولی این تقویم از قلم یک متکلم و مناظره‌گر چیره‌دست، بلکه یک بیدارگر و مُصلِح، و-همان‌سان که گفته‌اند، و راست گفته،- از قلم «معلمِ اُمّت» تراویده است. چیرگی گرایشهای مُصلحانه و بیدارگرانه و متکلمانانه بر پیشینه بخشهای توضیح‌دار مَسَارَ الشَّيْعَةِ، چیزی نیست که از دیده ناظر بصیر پوشیده بماند.

پارهای از مناسبتها که شیخ بدانها توجه می‌دهد، یا مراسم عبادی خاصی را اقتضا نمی‌کنند، و یا بُعدِ مراسمی در آنها کم‌رنگ است؛ به نظر می‌رسد شیخ با یادآوری این مناسبتها بیشتر در پی زنده نگاه‌داشتن تاریخ و پیشینه‌ای است که حضورشان در یادها، خود به خود با پارهای استارهای ارزشی و مواضع آرمانی و جهت‌گیریهای عقیدتی همراه خواهد شد.

او در گزارش روز هشتم ذی‌الحجه، مقدّم بر هر نکته و مناسبت دیگر، می‌نویسد: «در این روز که روز ترویج است، مسلم بن عقیل-که رحمت خدای بر او باد-به فراخوانی به سوی سرورمان ابو عبدالله حَسَنِین-علیه‌السلام-پدیدار گردید»؛^{۱۳} و در گزارش روز نهم، پس از یادکردِ آداب و مناسبتها این نکته را می‌افزاید که «در این روز مسلم بن عقیل-که خداوند ازو خشنود باد-به شهادت رسید».^{۱۴} در گزارش نیمه همین ماه می‌نویسد:

... محاصره عثمان بن عفّان [در این روز] شدّت یافت و طلحه و زبیر در میان جماعت مهاجران و انصار سرای او را در میان گرفتند و پی‌جویانه ازو خواستند تا خود را از خلافت برکنار دارد، و او از این روی در آستانه هلاک قرار گرفت.^{۱۵}

شیخ مفید، با یادآوری‌هایش درباره تاریخ کربلا و شکل‌گیری نهضت حسینی، یا با آنچه درباره فتنه قتل عثمان و تکوّن تاریخی آن متذکّر می‌گردد، در واقع، می‌خواهد رخدادهایی را که گروهی همواره به دلایلی واضح و انکارناپذیر و با نیت‌هایی شوم و رسوا خواسته‌اند تا تحریف کنند و از این راه جبهه حقّ و باطل را در پس ابرهای تردید و ابهام فروپوشند، در حافظه اُمّت زنده بدارد و دست محرّفان و دهان وارونه‌گویان را فروشکند و بازبندد.

حفظ خاطره این رخدادهای، آن‌سان که بوده و رفته است، ذهنهای جويا و اندیشه‌های پویا را به تحلیل می‌کشاند و بر مسند پرسش از انگیزه‌ها و چرایی‌های

رخدادها می‌نشانند. این چیزی است که خدمتگزاران طواغیت بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و میراث‌داران ایشان همواره از آن بیمناک بوده‌اند، و در عین حال چیزی است که بیدارگران اقالیم قبله و سپیده‌گشایانی چون شیخ مفید همواره به تحقق آن امید بسته و اذهان و اندیشه‌ها را به سوی آن فرا خوانده‌اند.

شیخ در گزارشهای روز هجدهم ذی‌الحجه خاطر نشان می‌کند که:

در همین روز بعینه، در سال سی و چهارم هجری عثمان بن عفّان به قتل رسید، و آن روز هشتاد و دو ساله بود. از خانه بیرونش آوردند و بر یکی از مزبله‌های مدینه‌اش افکندند. از بیم مهاجران و انصار هیچ‌کس به خاکسپاری‌اش اقدام نمی‌کرد تا این‌که... پس از سه روز پنهانی او را برگرفتند و در حشّ کوکب که گورستان یهودیان مدینه بود دفن کردند. پس چون معاویه حکومت یافت آن را به گورستان مسلمانان متصل گردانید.^{۱۶}

این گزارش مصرّح شیخ بیش از هر چیز غبار غفلت و نسیان را از روی واقعیهایی که خُدّام طواغیت می‌کوشیدند تا از یادها برود می‌زداید و حال و هوای واقعی مدینه را در آن روز و واکنشی را که گُش‌های خلیفه و پیرامونیانش آفریده بود برملا می‌دارد. وی در ادامه گزارش درباره همین روز می‌نویسد:

در همین روز بعینه، پس از عثمان، مردمان با امیرمؤمنان علیّ بن ابی‌طالب -علیه‌السلام- بیعت کردند و کار [خلافت] در آشکار و نهان بدان حضرت بازگشت و همگان به‌خواست خویش و از سر اختیار بر آن همدستان گشتند.^{۱۷}

این هم از شگفتی‌های روزگار است. یعنی در همان روز هجدهم ذی‌الحجه (مطابق عید سعید غدیر) که دستگاه خلافت سقیفه آن‌سان -در نظر و عمل- به‌زدودن خاطره‌اش کمر بر بسته بود، خلافت ظاهری امیرمؤمنان نیز تحقق و وقوع یافت.

شیخ در مناسبتهای ماه رمضان از پیکار بذر یاد می‌آورد و می‌نویسد:

... در روز هفدهم این ماه پیکار با مشرکان در بدر رخ داد و فرشتگان از جانب خدای تعالی به یاری پیامبر او -علیه‌السلام- فرود آمدند و اهل کفر و طغیان در بلا افتادند و فرق میان حق و باطل پدیدار گشت و از این رهگذر اهل ایمان ارجمندی یافتند و اهل ضلال و غدوان خوار شدند. در این روز صدقه مستحبّ است و مستحبّ است در این روز که روز عید و شادمانی مسلمانان است، بسیار شکر خدای متعال را بر نعمت روشننگری که به خَسْأق ارزانی فرموده به جای آرند.^{۱۸}

شیخ در گزارش ماه شوال می‌نویسد:

در روز نیمه به سال سوم هجری، کارزار اُحد رخ داد و در آن روز شیر خدا و شیر رسول خدا و سرور شهیدان وقت و زمان خویش، عمومی رسول خدا -صلی الله علیه و آله-، حمزة بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف- که خدای ازو خشنود باد و خشنودش کناد- به شهادت رسید.

و در آن واقعه، شکیبایانی که همراه پیامبر خدا-علیه‌السلام- ماندند و مستضعفان و منافقانی که گریختند، از یکدیگر پدیدار آمدند و نشان فضیلتی از برای امیر مؤمنان-علیه‌السلام- در این روز هویدا گردید که جبرئیل-علیه‌السلام- در میان فرشتگان مقرب بدان آواز برداشت و آن حضرت را در عیّین بهار جمندی ستود و رسول خدا-صلی الله علیه و آله- از آن روی پایگاه او را در تبار و دیانت هویدا فرمود.

این روزی است که چون رسول خدا-صلی الله علیه و آله- در آن مُصیبت عمومی خود و یاران اخلاص پیشه خویش دید و از کردار مشرکان آزار و رنج بدان حضرت رسید، مؤمنان در آن از بسیاری کامروائیاها پرهیز می‌کنند.^{۱۹}

آگاهی و آگاهی بخشی و باریک بینی در سخن شیخ مفید موج می‌زند: توجه به اهمّیت روز اُحد در تاریخ اسلام، توجه به مقام بلند حضرت حمزه، توجه به حدود و ثغور معنای لقب «سیدالشهداء» در حق آن حضرت، توجه به آنچه در اُحد از گریز سُست دلان و منافقان و پایداری شکیبایان دانسته شد، توجه به مناقبی که از امیر مؤمنان علی-علیه‌السلام- به ظهور و ثبوت رسید، و...

شیخ در گزارش‌های مربوط به ماه ذی‌الحجّه، در شب بیست و پنجم، دَهش و از خودگذشتگی خانواده امیر مؤمنان علی-علیه‌السلام- را در حق «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» یادآوری می‌شود که سه گرده نان جوین که قوتشان بود تصدّق کردند و برخوردار آن در ماندگان را بر برخوردار خویشتن برگزیده، خود روزه پیوستند، و یادآور می‌گردد که در روز بیست و پنجم «هل أتى على الإنسان...» [سوره ۷۶] در حق امیر مؤمنان علی و حضرت فاطمه زهرا و فرزندانشان، حسن و حسین، -سلام الله علیهم أجمعین- فرود آمد.^{۲۰}

یادکرد چنین مناسبتها در تألیفی چون مسار الشیعه، نه تنها خاطره این مناقب و فضایل اهل بیت عصمت و طهارت-علیهم‌السلام- را در یاد اُمت زنده نگاه می‌دارد، طریق اقتدا بدین بزرگواران را نیز به اُمت یادآوری می‌کند و سیره عملی پیشوایان دین را فرا روی پیروان می‌نهد.

شیخ در یادکرد روز سوم ذی‌الحجه از آنچه به سال نهم هجری رفته است یاد می‌کند: فرود آمدن جبرئیل - علیه‌السلام - با فرمان منع ابوبکر از بُردن و رسانیدن «سوره براءت» و وانهادنش به امیرمؤمنان علی - علیه‌السلام -، واقعه‌ای که به تعبیر هوشیارانه شیخ مفید عزلی آسمانی از برای ابوبکر بود و ولایت دادنی آسمانی از برای امیرمؤمنان علی - علیه‌السلام.^{۲۱}

شیخ، مرگ ابوبکر را و نیز جانشینی عمر را به نصّ و تعیین وی در روز بیست و هفتم ماه جمادی الآخره،^{۲۲} زخم خوردن عمر بن خطاب را در بیست و ششم ذی‌الحجه، و مرگ او را در بیست و نهم ذی‌الحجه،^{۲۳} تنها یاد کرده است و گذشته. در کشته شدن عثمان نیز چیزی جز اشارت به ایستارها و درگیریهای واقع در مدینه نمی‌گوید.

این نحوه برخورد با خلیفگان سقیفه که ایستار شیخ درباره ایشان روشن است،^{۲۴} حکایت از آن دارد که شیخ تنها با ورق زدن دفتر تاریخ و از طریق تذکار مناسبتها، می‌خواهد خاطره آنچه را در غصب خلافت رفت از نسیمان پاس دارد. به یاد آوردن این نقطه‌های گردش مسیر تاریخ، در ذهن مخاطب، خاطره همه آن کرده‌ها و رفته‌ها را زنده می‌دارد: این که منبر نُبُوت در اختیار چه کسانی قرار گرفت و چه حکمها و چه داوریها از مسندنشینان خلافت صادر شد؛ چگونه امثال معاویه و مروان بر سریر عزت جای گرفتند و چه زمینه‌هایی مرگ غریبانه ابودر را در زبده تمهید کرد؛ و... و....

در گزارش سوم صفر، جسارتهای مسلم بن عقبه را به کعبه و مسجدالحرام در زمانی که از سوی یزید بن معاویه بن ابی‌سفیان به کارزار عبدالله بن زبیر آمده و عبدالله به کعبه پناه جسته بود، یادآور می‌شود؛^{۲۵} و بی این که به داوری بنشیند با همین گزارش گوشه‌ای از مثالب بنی‌امیه را گوشزد می‌کند.

در روز بیستم ماه جمادی الأولی، شیخ، «فتح بصره» را گزارش می‌کند و «فرود آمدن یاری خدای بزرگوار را بر امیر مؤمنان - علیه‌السلام -». ^{۲۶} همین و بس؛ و همین بس است، زیرا خاطره جنگ بصره و این که به چه تزویری فتنه جَمَل بر ساخته شد و این که چرا و به چه بهانه بر خلیفه وقت خروج کردند و جان و مال مسلمانان را به تاراج گرفتند و آنچه در کارنامه برنشیننده جَمَل ثبت افتاد... همه و همه با همین اشارت زنده می‌تواند شد.

در مناسبتهای ماه ربیع الأول، در روز دوازدهم، انقضای دولت بنی‌مروان را

یادآوری می‌کند؛^{۲۷} و در نیمه ماه جمادی الآخرة کشته شدن عبداللّه بن زبیر بن عوام را.^{۲۸}

شیخ در گزارش مناسبت‌های روز عید فطر (اول شوال) پس از توضیحاتی مسبوت درباره این روز بزرگ و آیین‌های آن، در پایان، این را هم خاطر نشان می‌کند که:

و در همین روز بعینه، یعنی در روز یکم شوال از سال چهل و یکم هجری، خدای متعال یکی از فرآیندهای این امت، یعنی عمرو بن عاص، را هلاک گردانید و مسلمانان را از او آسایش بخشید و شادمانیهای مؤمنان بدین خاطر دو چندان شد.^{۲۹}

شیخ در تألیف دیگر خود موسوم به حدائق الزیاض و زهرة المرتاض - که اگرچه از دست رفته، منقولاتی از آن در اقبال ابن طاوس آمده است -، معاویه را به همین وصف «یکی از فرآیندهای این امت» یاد کرده.^{۳۰} در مسار این وصف در حق معاویه نیامده ولی از سالروز هلاکت او سخن رفته است.

شیخ مفید معاویه را به مثبت علم جدایی جبهه حق از باطل مجال طرح داده، پس از یادکرد سالروز هلاکت او، می‌نویسد: «و این روز، روز شادمانی مؤمنان و اندوه اهل کفر و طغیان است».^{۳۱}

در مسار الشیعة، ضمن تأکیدی تبجیل‌آمیز در حق هفدهم ربیع الاول به عنوان زادروز رسول خدا -صلی الله علیه و آله- و گزارش آداب و عبادات آن، می‌خوانیم:

و پیوسته شایستگان آل محمّد -علیهم السلام- از دیر زمان این روز را بزرگ می‌داشته و حقش را می‌شناخته و حرمتش را مراعات می‌کرده‌اند...^{۳۲}

تصریح و تأکید شیخ بر پیشینه‌مندی اهمیت و شناختگی این روز نزد خاندان رسالت -علیهم السلام- احتمالاً روی در نفی و نقد قولی دارد که دوازدهم ربیع الاول را به عنوان زادروز پیامبر -صلی الله علیه و آله- می‌شناساند و در آن زمان نیز نزد بعضی شیعه آن قول مورد توجه بوده است.^{۳۳}

شیخ مفید از برای روز ششم ماه مبارک رمضان دو مناسبت را مذکور می‌دارد: یکی فرو فرستادن خدای تعالی تورات را بر حضرت موسی بن عمران -علیه السلام-، و دیگر بیعت (/ بیعت ولایتعهدی) با حضرت علی بن موسی الرضا -علیه السلام-. شیخ در پی یادکرد این مناسبت می‌فرماید:

و این روزی ارجمند است که در آن شادی مؤمنان نو می‌شود و مستحب است که در آن صدقه و احسان به مسکینان صورت بندد و خدای را - که نامش گرامی است - بر آنچه که از حقّ آلِ محمّد - علیهم‌السلام - پیدا گردانید و بینی منافقان را به خاک مالید سپاس بسیار گزارد آید.^{۳۴}

این سخنان شیخ به خوبی مبین ایستار شیخ درباره آن رخداد پیچیده تاریخی، یعنی بیعت با حضرت علی بن موسی الرضا - علیه‌السلام - است.

ایستار شیخ به روشنی فرا می‌نماید که وی آن بیعت با امام رضا - علیه‌السلام - را پیروزی بزرگی برای اهل ایمان و جبهه تشیع می‌بیند.

شیخ مفید در گزارش روز نخست ماه صفر گذشته شدن «زید بن علی بن الحسین - علیهما‌السلام -» را یاد می‌کند و این روز و مناسبت را روزی می‌خواند که در آن اندوه‌های آل محمّد - علیهم‌السلام - نو می‌شود.^{۳۵} این گزارش و توضیح مفید، نمودار ایستار همدلانه او نسبت به زید شهید - علیه‌السلام - است.

روز عاشورا و سوک آن از مهمترین مناسبت‌هایی است که شیخ مفید بدانها پرداخته است، وی با یادکرد نوشتن اندوه آل محمّد - علیهم‌السلام - و پیروانشان در این روز و با تکیه بر روایات به اجتناب از لذات و بر پای داشتن سوکواری (/ «إقامة سنن المصائب») و پاره‌ای آداب و عبادات دیگر سفارش می‌کند و چهار روایت در بیان اهمّیت و مَثوبات زیارت سالار شهیدان در شب و روز عاشورا می‌آورد.^{۳۶} عاشورا - همان‌طور که انتظار می‌رود - مهم‌ترین واقعه اندوهباری است که شیخ مفید بدان پرداخته و در توضیح درباره آن بسط سخن داده است.

شیخ روز چهاردهم ربیع‌الأول را به مناسبت هلاک یزید روز سُرور مؤمنان اعلام می‌دارد و از وی به عنوان «المُلجِد المَلْعُون» یاد کرده با عبارت «ضَاعَفَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» (/ خداوند شکنجه دردناک وی را دو چندان کند) نام یزید را بدرقه می‌کند.^{۳۷}

ای بسا تصریح مَعَلِّظ شیخ بدین صفات «یزید» پلید، موضع‌گیری در برابر نواصبی باشد که در روزگار قدیم می‌کوشیدند به نحوی حقیقت‌پوشی کنند و یزید را از پلیدیها و رسوایی‌های بی‌شمارش تبرئه و تنزیه نمایند.

شیخ در گزارشی که از لیلۃ المَبیت و سپس ماجرای غار اراثه می‌کند، در حقیقت، یکی از مناقب شاخص امیرمؤمنان علی - علیه‌السلام - را در برابر یکی از مَثالب ابوبکر بن ابی قحافه می‌نهد.

شیخ، بامداد آن شب را، روز تجدید سُرور شیعیان به واسطهٔ رهایی رسول خدا-صلی الله علیه و آله- از دشمنان و ظهور آیات و نصرت الهی در حق آن حضرت و روز حُزن ناصیبانی می‌شمرد که در این باب به ابوبکر اقتدا می‌کنند و محزون می‌مانند.^{۳۸} اشارت شیخ مفید به حُزن نواصب در این روز احتمالاً کنایتی است استهزاآمیز در حق نواصب و اشاره به این که اگر آنان برآستی پیروی ابوبکر را لازم می‌دانند باید در این روز به او اقتدا کنند و محزون و نگران باشند!! چنانکه او بود!!

یکی از مناسبت‌هایی که شیخ مفید یاد می‌کند و امروز کمتر مورد توجه است، وفات عبدالمطلب نیای پیامبر-صلی الله علیه و آله- است که شیخ آن را در روز دهم ربیع الأول و از حیث سنوات تاریخ در سال هشتم پس از عام الفیل و هشت سالگی پیامبر-صلی الله علیه و آله- گزارش می‌کند.^{۳۹} تصریح به این مناسبت و تصریح به عبارت دعایی «رَضِيَ اللهُ عَنْهُ» (/ خداوند از او خشنود باد) پس از نام شریف حضرت عبدالمطلب، ای بسا مَقْوَمِ ایستار معنادار شیخ مفید در برابر جریانهای ناصبی و افراطی سنی باشد که دربارهٔ مسألهٔ ایمان پدر و نیاکان پیامبر-صلی الله علیه و آله- ایستاری جسارت‌آمیز داشتند.

این نکته هم یادآوردنی است که شیخ در یادکرد سالروز وفات حضرت عبدالمطلب هیچ تصریحی به سوگ نکرده، خصوصاً که همین روز را سالروز ازدواج پیامبر اکرم-صلی الله علیه و آله- با اُمّ المؤمنین خدیجه-سلام الله علیها- اعلام کرده است.^{۴۰} در اینجا نکتهٔ مهمی جلب توجه می‌تواند کرد و آن این است که پیامبر-صلی الله علیه و آله- در همان سالروز وفات نیای بزرگوارش و در حالی که هفده سال از وفات عبدالمطلب گذشته بوده^{۴۱} از دواج فرموده و تقارن با روز وفات آن بزرگوار را مانع یا ناشایست ندانسته است. این نکته از این نظر که برخی اندازه‌ناشناسان افراطی در سالهای اخیر خواستار تشخُّص بخشیدن به سوکواری‌های دامنه‌دار در سالروز وفات یا شهادت یکایک وابستگانِ خاندان رسالت-علیهم السلام- اند و مُجَدَّانه در اکثر ایّام و قیّات و شهادتها می‌کوشند، حائز اهمیت بسیار است.

هر گاه وفات حضرت عبدالمطلب از سوکواریهای رسمی خاندان رسالت نباشد، ای بسا شماری از وقیّات دیگر را نیز نتوان و نباید به سوکواریهای رسمی و متشخّص بدل کرد.

یکی از نکات فوق‌العاده جالب و مهم در کتاب مَسَارِ الشَّيْعة، آن است که مناسبتهای

اندوهبار، نه بیشتر، و نه حتی همچند مناسبتهای شادی آفرین‌اند؛ بلکه غلبه با مناسبتهای شاد و سرورآمیز است؛ چرا که هرچند تقریباً به ازای هر مناسبت مسرت‌بخش ولادت، از یک مناسبت اندوهبار وفات یا شهادت نیز سخن رفته است؛ اولاً، گام به گام مناسبتهای شادی آفرین متعدد دیگری مذکور و ملحوظ گردیده‌اند که کفه شادمانی و فرح را سنگین و پر بار می‌نماید؛ مناسبتهایی مانند پیروزیهای نظامی مسلمانان و پاره‌ای از فتوحات معنوی اولیا الهی.

ثانیاً، همانگونه که در ولادتهای اولیای دین بر یک نقل اقتصار رفته است، در باب وفیات و شهادتها نیز به یک روایت بسنده شده.

متأسفانه در این هر دو مورد در جامعه کنونی شیعه (دست‌کم در ایران که خوب از آن با خبریم)، کاستی هست. یعنی:

اولاً، بسیاری از مناسبتهای شادی آفرین مهم، مغفول افتاده و حتی بعضی عالمان دین و دین‌ورزان متعهد و پایبند نیز یا توجه جدی بدانها ندارند و یا از بن ملتفت لزوم توجه کردن و توجه دادن بدین مناسبت‌ها نیستند.

ثانیاً، در مناسبتهای اندوهبار و حزن‌آمیز گاه بیش از یک روایت و نقل مورد تمسک واقع گردیده و تعدد مراسم سوگواری در یک مناسبت واحد لیک زمانهای مختلف مُستحسن شمرده شده است.^{۴۲} این در حالی است که:

۱. نفس همین تعدد و اختلاف، در مناسبتهای شاد، مورد تمسک واقع نگردیده و نمونه را، ولادت امام حُسن بن - علیه السلام - که زمان آن مورد اختلاف است، تنها و تنها در سوم شعبان جشن گرفته می‌شود.

۲. عنایتی نمی‌رود که تعدد در این موضوعات، بتدریج سبب وهن می‌گردد و کم‌کم اهمیت و شاخصیت اصل مناسبت را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

همانگونه که در دیگر مسایل و مناسبتهای تاریخی، رفع تعدد نظر و تشبث اقوال، مطلوب است، در این مناسبت‌ها نیز چنین مطلوبیتی وجود دارد و می‌توان قول اقوی را بر دیگر اقوال ترجیح داد و اختیار کرد.

این که سعدی می‌گفت: «اگر شبها همه قدر بودی، شب قدر بی قدر بودی»،^{۴۳} بیش از یک آرایه‌گری ادیبانه، از واقعیتی عرفی و نگاه واقع‌بینانه انسان‌شناسانه حکایت می‌کند.

چیرگی شادمانی بر مسأله الشیعة، تنها از بُعد کمی نیست، بلکه از بُعد کیفی نیز هست.

به دیگر سخن، اغلب - و نه همه جا -، توصیه‌های عملی و رفتاری مربوط به مناسبت‌ها (خاصه آنچه به نمود و ظهور جمعی در می‌آید)، در مواقع شادی، مبسوط‌تر و مؤکدتر مجال طرح یافته است. علی‌الخصوص شیخ به سرایت دادن شادی و شاد گردانیدن دیگر مؤمنان در این مواقع توجه جدی نشان داده است.^{۴۴}

نکته دیگر آن است که شیخ علی‌الظاهر «شادی»های دینی را تحت‌الشعاع اندوه‌ها نشمرده و منفعل ندانسته است.

توضیحاً باید عرض کنم که شادیها اغلب در نظر ما در برابر غمها منفعل و اضمحلال‌پذیراند.

به یاد دارم که سالها پیش متن استفتائی را دیدم که طی آن از فقیهی بسیار دان پرسیده بودند که اگر یک مناسبت شاد دینی (مثلاً: ولادت یکی از امامان معصوم - علیهم‌السلام -) با مناسبتی اندوهبار (مثلاً: شهادت یکی از معصومان - علیهم‌السلام -) مطابق افتاده باشد، کدام را باید اعتبار کرد و ترجیح داد. آن فقیه، در پاسخ جانب مناسبت اندوهبار را گرفته بود. هیچ به یاد ندارم دلیل این ترجیح را نیز یاد کرده بود یا نه. اکنون چندیست که وی رخت به سرای پایدار کشیده و در کنار بخشایش ایزدی آرمیده است. توجیهی که همان زمان درباره این ترجیح به گوشم رسید یا در ذهنم زاده شد، این بود که چنین ترجیحی، موافق عملکرد عرف انسانی است. اگر در روز سُورور و شادمانی - و مثلاً: عروسی - ی کسی، پدرش جان بسپارد، دست‌کم در عرف ما، آن مجلس سُورور تحت‌الشعاع سوک و عزا واقع خواهد شد و جلسه شادمانی به سوکواری بدل خواهد گردید. تا هم امروز این توجیه را صواب انگاشته‌ام و از همین روست که می‌گویم: اغلب، در نظر ما، چنین شادیها در برابر چنان غمها منفعل‌اند.

لیک گویند شیخ مفید این سان نمی‌اندیشیده و هویت مستقل هر مناسبت را لحاظ می‌کرده است.

چنین چیزی از آنچه درباره نوزدهم و بیستم و بیست و یکم ماه رمضان گفته است برمی‌آید.

شیخ در گزارش شب نوزدهم ماه رمضان از ضربت خوردن مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب - علیه‌السلام - در این شب یاد می‌کند و استغفار بسیار و درود فراوان بر پیامبر - صلی‌الله علیه و آله - و نیایش مخلصانه به درگاه خدای متعال از برای نوشدن

عذاب بر ستم کنندگان بر این خاندان و بسیار لعنت فرستادن برگشندۀ امیرمؤمنان - علیه السلام - را در زمرة مستحبات این شب یاد کرده می نویسد: «و این شبی است که در آن اندوه اهل ایمان، نو می شود.»^{۴۵}

در گزارش شب بیست و یکم نیز پس از یادکرد معراج رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و فراز رفتن عیسی بن مریم - علیهما السلام - و درگذشت موسی بن عمران - علیه السلام -، و درگذشت وصی آن حضرت، یوشع بن نون - علیه السلام -، که در این شب بوده است، از وفات امیرمؤمنان - علیه السلام - در این شب یاد می کند و آنگاه می نویسد:

و این شبی است که اندوه های آل محمّد - علیهم السلام - و پیروانشان در آن نو می شود... [و از مستحبات آن] درود بسیار بر محمّد و آل محمّد - علیهم السلام - و سخت کوشی در نفرین بر کسانی است که بر ایشان ستم کرده اند و لعن پیوسته برگشندگان امیرمؤمنان - علیه السلام - و ...^{۴۶}

وانگهی شیخ در میان این دو شب آندوهبار - که خود به حزن و ماتم در آنها تصریح می کند، از بیستم ماه رمضان سخن می دارد و پس از یادکرد فتح مکه در این روز، روز بیستم را «عید مسلمانان» و «روز شادمانی به سبب نصرت خدای متعال در حق پیامبرش - علیه السلام - و عمل به وعده ای که به آن حضرت فرموده بود و آشکار ساختن حقایق آن حضرت و بر باطل بودن دشمنان او» اعلام می کند و پیشگامی در کارهای نیک و ذکر پیوسته خدای متعال و شکر گزاردن به درگاه او را از برای نعمت بزرگی که ارزانی داشته است، از مستحبات این روز می شمرد.^{۴۷}

به دیگر سخن شیخ مفید، در سه روز متوالی از دو سوک سترگ و یک جشن بزرگ در میان آن دو سوک سخن می دارد و هر مناسبت را استقلالاً ملحوظ می سازد.

شیخ که سالروز ولادت امامان دین - علیهم السلام - را روز سرور مؤمنان می شناسد و می شناساند، از چرایی این شادمانی هم به صراحت سخن می دارد. نخستین سالروز ولادت که در مسأله شیعه مجال طرح یافته است سالروز ولادت های امام حسن بن علی - علیهما السلام - و محمّد بن علی بن موسی - علیهم السلام - است، هر دو در نیمه ماه مبارک رمضان. شیخ پس از یادکرد این دو ولادت خجسته، درباره این روز می نویسد:

... و این روز شادمانی مؤمنان است و مستحب است که در آن صدقه داده

شود و گام به کارهای خیر پیش نهاده شود و بسیار سپاس خدای تعالی بگزارند
بر این که حجت خویش را هویدا فرمود و دین خود را به وسیله خلیفه‌اش در
میان جهانیان و پسر پیامبرش سرور فرستادگان - صلوات الله علیه و اله^{۴۸} -
برپای داشت.^{۴۹}

شیخ در مسار الشیعه به مناسبت‌های دینی اُمتهای پیشین نیز اشارت می‌کند، و نمونه
را، از سالروز فرود آمدن تورات^{۵۰} و هم‌چنین انجیل^{۵۱} و یا شبی که عیسی بن
مریم - علیهما السلام - به آسمان فراز برده شد^{۵۲} و ... سخن می‌دارد.
در این اشارتها به احوال انبیا و اولیای پیشین و اُمتهای گذشته، حکمت‌هایی چند را
می‌توان بازجست.

یکی این که این اشارتها به نوعی بر پیوند اسلام و شریعت محمدی با مَلتهای آلهی
پیشین تأکید می‌ورزد و بر استمرار «دین خدا» انگشت می‌نهد.
دیگر این که این مناسبتها ای بسا ثبات پاره‌ای از سنتهای آلهی را فرا یاد مخاطبان
آورد. فرود آمدن وحی، و این که پیامبران و اوصیاء ایشان نیز سرانجام رفتنی‌اند، و
این که ای بسا خداوند نبی خود را از اُمّش غایب بدارد بی آنکه مرگ او را دریافته باشد،
و

سدیگر این که پاره‌ای از این مناسبتها با برخی مناسبت‌های این اُمّت مقترن است و
ای بسا این اقتران‌ها معنادار باشد. نمونه را، شهادت امیر مؤمنان علی - علیه السلام - در
همان شبی است که خداوند عیسی بن مریم - علیهما السلام - را فراز برد و موسی بن
عمران - علیه السلام - و هم‌چنین وصی آن حضرت، یوشع بن نون - علیه السلام -، در
گذشتند.^{۵۳}

شیخ مفید در مسار الشیعه به تاریخ تشریح نیز بذل عنایت کرده است و - نمونه
را - در روز دوازدهم ماه ربیع الآخر یک مناسبت ذکر می‌کند و آن این که در چُنین روزی
در سال نخست هجری فریضه نماز حَضَر و سَفَر استقرار یافت و تثبیت شد.^{۵۴}
از نکات تأمل برانگیز مسار الشیعه، سخنی است که شیخ مفید - رضوان الله
علیه - درباره شب نیمه شعبان می‌نویسد: «... و این شبی است که مسلمانان^{۵۵}
- همگی - و اهل کتاب آن را بزرگ می‌دارند.»^{۵۶}
آیا او در این باب بر نقل‌هایی قدیم اعتماد می‌دارد یا از کُنش اهل کتاب روزگار
خود خبر می‌دهد؟ ... باب تأمل باز است.

شیخ مفید فصل نخست مسأله شیعه را که درباره «ماه رمضان» است، با وصف پاره‌ای از فضائل این ماه می‌آغازد تا خواننده را به توجه بدین ماه مبارک و کوشایی عبادی در آن برانگیزد. او پس از این که با تکیه بر مآثورات ماه رمضان را «سُرور ماهها» (/ سیّد الشهور) و «بهار مؤمنان» (/ ربیع المؤمنین) می‌خواند، یادآور می‌شود که «صالحان این ماه را مضمار می‌نامیده‌اند».^{۵۷}

«مضمار» در زبان عربی به چند معنا - که البته پیوندی استوار نیز با یکدیگر دارند - به کار می‌رود: یکی، میدان اسب‌دوانی؛ دیگر، جای پرورش و تمرین دادن اسب؛ سدیگر، دوره و مدت پرورش و تمرین دادن؛ چهارم، نشانه یا خط پایان مسابقه اسب‌دوانی.

در اینجا به نظر می‌رسد اطلاق «مضمار» بر ماه رمضان، از راه مانند کردن آن به میدان اسب‌دوانی باشد، چه خلق در این ماه در عرصه عبادت و فرمانبری خداوند و احسان و نیکوکاری بر یکدیگر سبقت می‌جویند.^{۵۸}

ابن طاوس از همین راه نیایش نامه‌ای را که از برای ماه رمضان پرداخته و معمولاً در آغاز اقبال او جای داده می‌شود، مضمار السبق (یا: المضمار للسباق) خوانده است.

نام «مضمار» نهادن بر ماه رمضان، به نحو قریب به یقین، به اقتباس از لسان حدیث صورت گرفته است؛ چه در حدیث شریف آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - خَلَقَ شَهْرَ رَمَضَانَ مَضْمَارًا لِخَلْقِهِ...»^{۵۹} (یعنی: «حق - سبحانه و تعالی - ماه رمضان را آفریده است به منزله میدان اسب تاختن از جهت خلائق...»^{۶۰}).

شیخ ماه رجب را به عنوان «الشهر الأصم» (ماه گنگ) یاد می‌کند و آنگاه چرایی این تسمیه را یادآور می‌شود:

عربها در این ماه تاراج و پیکار و خونریزی نمی‌کردند، و در آن نه آوای جُنُبِش سلاح به گوش می‌رسید و نه شیئه اسبان و نه بانگ و غوغای پیکار و گرد آمدن مردان.^{۶۱}

شاید در نگاه نخست، یادکرد لقب اصم و آنگاه بر شکافتن و بازگفت چرایی نامگذاری‌اش، کاری یکسره ادیبانه و واژه‌شناسانه بنماید؛ لیک گمان ندارم خواست و آهنگ شیخ از این کار بر افزودن آگاهیهای واژه‌شناختی خواننده باشد. شیخ در ایستاده تا «میراث فرهنگی اسلام» را از رهگذر مناسبتها به نسلهای سپسین منتقل سازد و این کار را چونان رسالتی اسلامی پیشه کرده است. مفهوم و مانوس افتادن تعابیر و

مصطلحاتی که مسلمین درباره روزها و ماهها به کار برده‌اند، لازمه انتقال این میراث است، و شیخ برای این انتقال، به تفهیم و تبیین تعابیر و مصطلحات روی آورده. پس کامه او، در نهاد و نهان خویش، واژه پژوهی نیست؛ دین گستره است.

آثار شیخ مفید گنجینه‌ای از نکات و دقائق فقه الحدیثی در خود دارد، و با توجه به فقر متون و مطالعات مَدَوَّن موجود در حیطه فقه الحدیث^{۶۲} و ضرورت اصطیاد نکات فقه الحدیثی از جای جای ثراث پیشینیان، بازکاوی نگارشهای او از این دیدگاه بغایت دربایست می‌نماید. مسار الشیعه نیز با همه اجمال و اختصارش - البته - از این دایره بیرون نمی‌ماند.

شیخ مفید در مسار الشیعه در گزارش ماه رجب و مستحبات آن، پس از نقل روایتی گرانباز از یادکرد پاداشهای کسی که ایامی مشخص از این ماه و یا همه این ماه را روزه بدارد نکته فقه الحدیثی بسیار مهمی را خاطر نشان می‌کند. می‌نویسد: «این [پاداشها و تحقیق آنها] هنگامی است که انسان، مؤمن باشد و از کبائر تباهی آفرین بپرهیزد؛ چنان که خداوند - که نامش ارجمند است - فرموده: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ [س ۵ ی ۲۷؛ یعنی: خداوند تنها از پرهیزکاران در پذیرد].»^{۶۳}

این یادآوری شیخ، در واقع، دست ردی است بر سینه برخورد های حشو یانه با احادیث پاداشها و پادافراها. اهمیت ارشاد فقه الحدیثی شیخ در این مورد، آنگاه دو چندان می‌شود که فرایاد آوریم که بحث از چون و چند و چرایی ثبوت کلان در بعضی عبادات، هنوز و همیشه یکی از بحثهای زنده و قیل و قال خیز تمدن اسلامی بوده است. ابن طائوس در اقبال از دستنوشتهی از مسار الشیعه بهره می‌برده است که در زمان زندگانی شیخ مفید کتابت شده بوده.^{۶۴} البته او از این اثر با عنوان التواریخ الشرعیة یاد می‌کند.^{۶۵}

امروز نیز خوشبختانه دستنوشتهی از مسار الشیعه به دست داریم که در زمان زندگانی مؤلف کتابت گردیده است و تاریخ ۳۹۱ ه. ق دارد. این دستنوشته که در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌گردد، روزگاری در اختیار حضرت شیخ بهاء الدین محمد عاملی (معروف به شیخ بهایی / در گذشته به ۱۰۳۰ ه. ق) بوده است.^{۶۶}

مسار الشیعه، جز چاپ متداول کنونی آن به اهتمام آقای شیخ مهدی نجف که نخستین بار از سوی کنگره شیخ مفید چاپخس گردید، در مجموعه نفیسه هم که به عنایت احیاگر بزرگ میراث شیعه، مرحوم آیه الله مرعشی نجفی - رفَع الله درجته -،

در قم چاپ شده و در بیروت نیز با حروفچینی امروزی باز چاپ گردیده، طبع و نشر شده است.

این اثر هم‌چنین پیشتر یکبار به سال ۱۳۱۳ ه. ق در قاهره و دوبار به سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۵ ه. ق در ایران چاپ و منتشر گردیده بوده است.^{۶۷}

با آنکه مسأله شیعه تاکنون چند بار چاپ شده است، و در چاپ اخیر آن، در سلسله منشورات کنگره هزاره شیخ مفید، زحمت و دقت قابل تقدیری مبذول گردیده، متأسفانه هنوز جای چاپ محققانه تری از آن خالی است؛ زیرا چاپ کنونی:

اولاً، ساده‌ترین شرط یک طبع علمی راهگشا را که دارا بودن مقدمه مصحح و معرفی نسخ مورد استفاده باشد، فاقد است و خواننده به روشنی نمی‌تواند سر در بیاورد که رموز سازواره انتقادی که ضمن حواشی درج گردیده، دقیقاً راجع به چه نسخه‌ای است، آن نسخه کجاست، و چه پایه‌ای از اعتبار دارد.

ثانیاً، در مراجعه به متن آن و سنجش متن با مسأله شیعه‌ای که ضمن مجموعه نفیسه چاپ شده است، معلوم شد تفصیل دگرسانیهای همه نسخ خطی و چاپی کتاب از طریق این چاپ جدید قابل دسترس نیست؛ حال آنکه در مورد چنین متنی کهن و سند نفیسی که واژه واژه‌اش در خور درنگ می‌نماید، ارائه تفصیل دگرسانیها ضرور است.

ثالثاً، به نظر رسید جای تدقیق و بهسازی بیشتر در ضبط نص هست. رابعاً، بهترست به نحوی تطبیقی و تفصیلی‌تر تواریخ و مختارات شیخ مفید با اقوال و اختیارات دیگر عالمان شیعه خصوصاً و بزرگان فن اخبار و تاریخ اسلام عموماً، کنار هم نهاده و در قالب پژوهشنامه‌ای در ذیل یا پیوست این متن جای گیرد. در آن صورت بهره‌وری از مسأله شیعه بیشتر و شدنی‌تر می‌گردد.^{۶۸}

پی نوشت‌ها:

۱. قرآن کریم، س ۲۲، ی ۲۸.
۲. قرآن کریم، س ۱۴، ی ۵ و: س ۴۵، ی ۱۴.
۳. نگر: مسأله شیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۱۸.
۴. نگر: جهود الشیخ المفید الفقهیة، نصار، ص ۳۸.
۵. نگر: کتابخانه ابن طائوس، ص ۱۵۱ و ۲۸۲-۲۸۴.
۶. شیخ مفید در گزارش روز غدیر ضمن یادکرد واقعه و حدیث غدیر و این‌که اولین کسی که آن روز به

- تهنیت گویی امامت حضرت علی - علیه السلام - پرداخت، عمر بن خطاب بود، خاطر نشان می‌سازد که پس از ختم سخن رسول خدا - صلی الله علیه و اله - در این مقام بود که آیه اکمال دین (س ۵، ی ۳) فرود آمد. (نگر: مساز الشیعة، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۳۹). شیخ رخداده‌ها و مناسبت‌هایی را که در همین روز در اتم پیشین واقع گردیده بوده نیز در گزارش روز غدیر مورد یادکرد قرار داده است: پیروزی موسی بن عمران - علیهما السلام - بر ساحران و خوار شدن فرعون و فرعونیان، رستنی ابراهیم خلیل - علیه السلام - از آتش و «پرد» و «سلام» شدن آتش بر او - انسان که قرآن کریم باز گفته است، انتصاب یوشع بن نون به وصایت حضرت موسی - علیهما السلام - اظهار حضرت عیسی بن مریم - علیهما السلام - وصایت شمعون الصفا را نسبت به خویش و ... (نگر: همان، ص ۴۰ و ۴۱).
۷. مساز الشیعة، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۸.
۸. نگر: همان، ص ۲۱.
۹. نگر: مساز الشیعة، ط. شیخ مهدی نجف، ص ۶۳.
- مساز الشیعة مطبوع در ضمن مجموعه نفیسه فاقد این انجامه گرانهاست.
۱۰. مساز الشیعة، نه تنها از مصادر بحار الأنوار علامه مجلسی (نگر: بحار، ۷/۱، ۲۵۱/۱۵، ۱۱۹/۳۱، ۳۷۲/۵۵ و ۶۹/۸۱) و نیز از مصادر وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی (نگر: وسائل، ط. مؤسسه آل‌البت - علیهم السلام -، ۳۰۲/۴، ۳۶/۸، ۸۷ و ۱۰۶ و ۱۱۰ و ۱۱۱، و ۴۵۶/۱۰ و ۴۸۰ و ۳۰۳/۱۴ و ۴۶۶ و ۴۶۸ و ۴۷۷ و ...) در شمار است، در مؤلفات مشهور و متداول و گرانبار فقهی، چون کشف اللثام فاضل اصفهانی (مشتهر به فاضل هندسی/ ط. قدیم، ۲۷۱/۱)، و الحدائق الناضرة (۵۲۰/۱۰ و ۵۳۹ و ۵۴۱ و ۳۶۹/۱۳ و ۳۸۱)، و جواهر الکلام (۱۹۰/۱۲ و ۲۱۳ و ۹۸/۱۷)، مورد استناد و استفاده بوده است.
- مساز الشیعة مفید همچنین از مصادر اصلی أرجوزه شیخ حرّ عاملی بوده است (نگر: الذریعة، ۴۶۶/۱ و ۹۸/۲۳).
۱۱. نگر: مساز الشیعة، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۹.
۱۲. نگر: همان، همان ص، هامش.
۱۳. همان، ص ۳۶.
۱۴. همان، ص ۳۷.
۱۵. همان، ص ۳۸.
۱۶. همان، ص ۴۰.
۱۷. همان، ص ۴۰.
۱۸. همان، ص ۲۵.
۱۹. همان، ص ۳۲ و ۳۳.
۲۰. نگر: همان، ص ۴۱ و ۴۲.
۲۱. نگر: همان، ص ۳۶.
۲۲. نگر: همان، ص ۵۴ و ۵۵.

۲۳. نگر: همان، ص ۴۲.
۲۴. شیخ مفید در أوائل المقالات بصراحت از گمراهی و نافرمانی و ... ی کسانى که در خلافت بر علی - علیه السلام - تقدّم جُستند سخن می‌دارد و آن را به مثابته «اجماع عقیدتی» امامیه مجال طرح می‌دهد. (نگر: أوائل المقالات، ط. دکتر محقق، ص ۶).
۲۵. نگر: مسأله شیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۴۶.
۲۶. همان، ص ۵۳.
۲۷. نگر: همان، ص ۵۰.
۲۸. نگر: همان، ص ۵۴.
۲۹. مسأله شیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۳۲.
۳۰. نگر: کتابخانه ابن طائوس، ص ۲۸۳.
۳۱. مسأله شیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۹.
۳۲. همان، ص ۵۰.
۳۳. شیخ بزرگوار، محمد بن یعقوب کلینی رازی (در گذشته به سال ۳۲۹ هـ. ق)، در کتاب شریف کافی نوشته است:
- «ولد النبي - صلى الله عليه وآله - لاثنتي عشر ليلة مضت من شهر ربيع الأول في عام الفيل يوم الجمعة مع الزوال، و روى أيضاً عند طلوع الفجر قبل أن يبعث بأربعين سنة.» (الأصول من الكافي، تحقيق علي أكبر غفاري، ۴۳۹/۱).
۳۴. نگر: مسأله شیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۲۲.
۳۵. نگر: همان، ص ۴۶.
۳۶. نگر: همان، ص ۴۴.
۳۷. نگر: همان، ص ۵۰.
۳۸. نگر: همان، ص ۳۸.
۳۹. نگر: مسأله شیعه، ص ۴۹.
۴۰. نگر: همان، همان ص.
۴۱. چه به گزارش خود مفید (همان، همان ص) پیامبر اکرم - صلى الله عليه وآله - به هنگام درگذشت حضرت ابوطالب - علیه السلام - هشت ساله و به هنگام ازدواج با ام المؤمنین خدیجه - سلام الله علیها - بیست و پنج ساله بوده‌اند.
۴۲. نمونه را، محدث فقید سعید، حاج شیخ عباس قمی - قدس الله روحه العزیز - در کتاب کرامت منتهی الامال (ط. باقری بیدهندی، ۳۳۲/۱) در گزارش وفات حضرت زهراى مرضیه - صلوات الله علیها و علی آئینها و بعلیها و بنیها - می‌فرماید:
- بدان که در روز وفات آن حضرت اختلاف بسیار است، و اظهار نزد احقر آن است که وفات آن حضرت در سیم جمادی الآخر واقع شده ... پس بقای آن حضرت بعد از پدر بزرگوار خود نود و پنج روز بوده؛ و اگر چه در روایت معتبر وارد شده است که مدت مکث آن مخدّره بعد از پدر خود در دنیا هفتاد و پنج روز

- بوده، لکن توان وجهی برای آن ذکر کرد... خوب است که عمل شود به هر دو طریق در اقامه مصیبت و عزای آن حضرت چنان که فعلاً معمول است.
۴۳. گلستان سعدی، به تصحیح و توضیح حسن انوری، ج: ۲، طهران: قطره، ۱۳۷۹ هـ. ش، ص ۲۹۳.
۴۴. نمونه راه، نگر: مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۴۰ و ۵۱.
۴۵. نگر: مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۲۵ و ۲۶.
۴۶. نگر: همان، ص ۲۶.
۴۷. نگر: همان، ص ۲۶ و ۲۷.
۴۸. عبارت درود در مساز الشیعه طبع آقای شیخ مهدی نجف (ص ۲۴) از این قرار است: «صلوات الله علیه و آله و سلم». ما ضبط مساز الشیعه مطبوع در مجموعه نفیسه (ص ۴۴) را اختیار کردیم.
۴۹. مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۲۴.
۵۰. نگر: همان، ص ۲۲.
۵۱. نگر: همان، ص ۲۳.
۵۲. نگر: همان، ص ۲۶.
۵۳. نگر: همان، ص ۲۶.
۵۴. نگر: همان، ص ۵۲.
۵۵. در مساز الشیعه طبع آقای شیخ مهدی نجف به جای «المسلمون»، «المسلمون» به تشدید لام چاپ شده است که به احتمال قریب به یقین نادرستی حروف نگاشتی است.
۵۶. نگر: مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۶۲.
۵۷. همان، ص ۲۰.
۵۸. برداشت ایتان کلبرگ از واژه «بضممار»، در این مقام، با برداشت ما قدری تفاوت دارد. نگر: کتابخانه ابن طاوس، ص ۸۲.
۵۹. مرآة العقول، ۴۳۶/۱۶؛ و: روضة المتقین، ۴۷۲/۳؛ و: الإقبال بالأعمال الحسنة، تحقیق قیومی اصفهانی، ۴۶۷/۱.
- نیز سنج: مجمع البحرین طریحی، ط. عادل، ۲۸/۳.
۶۰. ترجمه از مجلسی اول= رضوان الله علیه است.
- نگر: لوامع صاحبقرانی، ط إسماعیلیان، ۶۵۲/۶.
۶۱. مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۶.
۶۲. در این باره، از جمله، نگر: حدیث شناسی «۲»، علی نصیری، ج: ۱، قم: سنابل، زمستان ۱۳۸۳ هـ. ش، ص ۲۱۶.
۶۳. مساز الشیعه، تحقیق شیخ مهدی نجف، ص ۵۷.
۶۴. نگر: کتابخانه ابن طاوس، ص ۴۱۴.
۶۵. نگر: همان، همان ص.
۶۶. به اعتماد حافظه عرض می‌کنم که این دستنوشته را یکبار علامه استاد سید محمد حسینی جلالی-دام علاه- در شبکاگو چاپ عکسی کرده‌اند.

۶۷. از برای برخی نسخ خطی و چاپی مساز الشیعة، نگر: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مکدرموت، ص ۴۰؛ و: أوائل المقالات، ط. دکتر محقق، ص سی و هشت؛ و: الذریعة، ۳۷۵/۲۰؛ و: تهذیب الأحکام، ۲۳/۱؛ و: الأملی مفید، ۱۴.

۶۸. استطراداً گفتنی است که:

در تراث امامیه مساز الشیعة دیگری نیز هست که البته متأخر است (نگر: الذریعة، ۳۷۵/۲۰). همچنین در کتابی موسوم به تحلیۃ النائب فصل مساز الشیعة وجود داشته است (نگر: الذریعة، ۴۸۶/۳) که نمی‌دانیم آیا با تألیف منیف شیخ مفید ارتباطی و از آن اقتباسی داشته است یا نه و صرف تشابه نام در میان بوده.